

بحران فیلیپین

فیلیپین در بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی عمیقی فرورفته است. بحرانی که در فوریه ۱۹۸۶ موجب اوچگیری جنیش دموکراتیک سوده‌ای تشمیق وشکاف در طیفه حاکمه و فرار دیکتاتور سابق فردینا ندما رکوس شد، اکنون با گذشت قریب سه ماه در ابعادی وسیعتر گسترش می‌یابد. کودتا های متوالی نظامیان فاشست که بخش مهمی از حاکمیت جدید را تشکیل می‌دهند، کودتا هایی که هر بار بدلیل تضادها و تناقضات درونی ارتش نافرجام مانده اند و همچنین تغییرات سریعی که در ترکیب حکومت "آکینو" روی می‌دهند، نشانه‌های

بارزی از این بحران در میان "بالاشی"هاست. آکینو و لیبیرالهای پیرامون وی که با تکیه بر مبارزات توده‌های وسیع و نیز پیشتیمای نسبی امپریالیسم آمریکا و بخشهای بسیار مهمی ز ارتش (در شرايطی که دیگر کاملاً ناکارنده که حفظ دیکتاتوری مارکوس امکان پذیر نیست) به قدرت رسیدند، در رویارویی با بحران هر روز خسود را تا توان تر نشان می‌دهند. مردم فیلیپین از تجربه عملی خود درس میگیرند و یکم نیروهای انقلابی

بقیه در صفحه ۲

برخی مسائل تئوریک در رابطه با جبهه بخش ۳ (تقدی بر مواضع راه‌کارگر)

که نشان میدهد "راه‌کارگر" تو ما در معرض انحرافات "جیب" و راست قرار گرفته است. دیدگاه نخست، تاسرنگوشی رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه برای دموکراسی بورژواشی را در دستور قرار داده و وظیفه مقدم بیروتا ربا در مرحله نخست انقلاب را مبارزه برای خواستهای مطلقا بورژوازمکراتیک تعیین می‌کند. دیدگاهی راست است که بالاتریم

بقیه در صفحه ۳

"نقش مبارزه برای دموکراسی در انقلاب"
"وظیفه مقدم بیروتا ربا ی ایران"

در بخش گذشته به تناقضات و التقاط "راه کارگر" حول نقش بیکار دموکراتیک و وظیفه مقدم بیروتا ربا ی ایران اشاره نمودیم. دیدگاه "راه کارگر" حول این مسئله اساسی، در حقیقت ملغمه‌ای است از دودرک و دودیدگاه کاملاً متضاد و متضاد است. این التقاط در عین حال بگونه ایست

مصاحبه با گووین وان لین

دبیرکل جدید حزب کمونیست ویتنام در صفحه ۷

در ایران اعتیاد و فساد بیداد می‌کند

میتوان به راحتی دریافت، "مجیدمالک محمودی به قتل ۲۹ زن و کودک اعتراف می‌کند،" ه نفر بخاطر قتل ۵ کودک، با حضور مردم در سنجج به دار آویخته می‌شوند و "قاتل ۵ کودک در کرمان در حضور مردم به دار آویخته می‌شود و قبل از اجرای حکم نیز توصیه می‌کنند که "با بدکا فرهنگی بیشتر در میان جوانان صورت بگیرد تا چنین حوادث تلخی رخ ندهد" و...

بقیه در صفحه ۹

اعتیاد و فساد در میهنما چنان ابعادی بخود گرفته که دیگر آمار وارقام بسیار عمیق فاحشه نیستند، اعتیاد و فحشاء، قتل و سرقت سرسترفتر، نابرابریهای اجتماعی و عقب ماندگی‌های اجتماعی و فرهنگی از قالب کجروبیهای فردی و گروهی با را فرا تر گذاشته و بیمنوان یک معطل اجتماعی بخش گسترده‌ای از جامعه را در خود فرو برده است. افزایش قتل، تجاوز و سرقت را از لایه‌های روزنامه‌های دولتی، علیرغم اسرور صفحه حوادث!

- * خیمه شب بازی مبارزه با گرانفروشی در صفحه ۲
- * از مبارزه پناهندگان در بایرن حمایت کنیم در صفحه ۹
- * گرامی باد یادر فیق سیامک اسدیان (اسکندر) در صفحه ۱۰

اوضاع جنگ و نقش سازمان ملل

جنگ ارتجاعی ایران و عراق همچنان ادامه دارد و با ادامه آن کشتار و ویرانی نیز در دو کشور ابعاد بزرگتری بخود می‌گیرد. با وجود آنکه جنگ در جبهه‌های زمینی بطور نسبی افت کرد، اما در نخستین هفته‌های هشتمین سال جنگ، گلوله بارانها، برتاب موشک و سمبارانهای هوایی شدت گرفت. در نیمه اول مهرماه حملات هواپیماهای جنگنده عراق به تاسیسات نفتی و نفتکشهای ایران آنچنان وسیع و شدید شد که در تمام طول جنگ هیچ‌گاه سابقه نداشته است. این حملات خرابیهایی فراوانی ببار آورد.

جمهوری اسلامی در پاسخ به این حملات، علاوه بر گلوله باران بمره و سلیمانیه، مناطق مسکونی بغداد را نیز مورد هدف قرار داد و در فاصله هشت روز با برتاب سه موشک زمین بزمین مدهاتن از مردم بیگناه را به خاک و خون کشید. انفجاریکی از این موشکها که بنا به ادعای سران رژیم بسوی "یکی از مراکز جاسوسی و اطلاعاتی عراق" برتاب شده بود ۲۲ کشته برجای گذاشت که ۲۹ تن آنان کودکان یک مدرسه بودند. در لحظه انفجار، این کودکان در حیاط مدرسه ای گردآمده بودند که موشک در چنسد متری آن فرود آمد.

در این میان خلیج فارس نیز به صحنه رویا رویی نظامی و ماجراجوشیهای رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا بدل گردیده است. پس از درگیری نظامی که به غرق شدن کشتی "ایران احر" منجر گردید، پنجشنبه ۷ اکتبر هلندی-کوبترهای آمریکایی دوقایق تندرو با ساران را مورد حمله قرار داده و به آتش کشیدند. در این سندرگیری دوبار کشته و چهارتن دیگر مجروح شده و با سارت نیروهای نظامی آمریکا بی در آمدند. هر یک از طرفین مدعی "دفاع از خود قافا نوسی" شدند. پس از این حادثه، شبکه تلویزیونی آمریکا

بقیه در صفحه ۲



بیان محمد بهرنگی

اوضاع جنگ و ...

و نیز روزنامه‌ها و اشکستن پست اعلام کردند که در قایق‌های ایرانی که هدف قرار گرفته بودند قطعات موشک زمین به هوای "استینجر" که از پیشرفته‌ترین موشک‌های آمریکا بی‌حساب می‌آید، کشف شده است. گفته می‌شود این موشک‌ها توسط فدا انقلابیون افغانستانی در اختیار جمهوری اسلامی قرار گرفته است. موسوی نخست وزیر در مصاحبه‌ای ضمن سری نگاه داشتن منبع دریافت این موشک‌ها، خبر مزبور را تأیید و اعلام کرد که این خوددلیلی است برای آنکه هرگونه تحریم تسلیحاتی علیه ایران نمی‌تواند کار را موثر باشد.

درگیری‌های موضعی بین ایران و آمریکا که سیری تما عدی یافته بیش از پیش منطقه را به نقطه انفجار آمیزی نزدیک می‌کند. بدینسان حمله موشکی ایران در ۲۲ مهر ماه به یک نفتکش کوییتی که با پرچم آمریکا در سواحل کوییت لنگر انداخته بود، آمریکا در ۲۷ مهر ماه به دو سکوی نفتی ایران بناهای رستم ورخش واقع در منطقه مرکزی خلیج فارس حمله کرد و آن را به آتش کشید و کما ملا و بران کرد. کاخ سفید این حمله را "پاسخی حساب شده و سنجیده" به حمله موشکی ایران نامید. بعد از این حمله سران جمهوری اسلامی اعلام کردند که "پاسخی دندان شکن" به آمریکا خواهند داد. در مقابل "گاسپاروینرگر" وزیر دفاع آمریکا نیز اعلام کرد که "آمریکا آماده است که به رهبر شاه نظامی ایران با اقدامات تلافی جویانه قویتری پاسخ گوید."

با اوج گیری بحران خلیج وزارت امور خارجه اتحاد شوروی طی بیانییه‌ای اعلام کرد که اقدامات آمریکا "نقض آشکار حقوق بین‌المللی

و مغایرت با قطعنامه شورای امنیت است که آمریکا خود به آن رای داده و در آن نیروها به حداکثر خویشتن داری فرا خوانده شده‌اند. دلایسل دور تما عدی درگیری‌های نظامی تنها درگیری بیسن ایران و عراق نیست بلکه حضور نظامی ایسالات متحده و دخالت وی در امور کشورهای خلیج نیز نهفته است. در این بیانییه همچنین بر پشتیبانی اتحاد شوروی از "آتش بس فوری"، پایان دادن به عملیات نظامی ایران و عراق و عقب نشینی نیروهای آنان به مرزهای شناخته شده بین‌المللی و خروج فوری کلبه ناوهای جنگی خارجی از خلیج فارس "تاکید شده و حمایت اتحاد شوروی از تمامی مفا د قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و همچنین تلاش‌های دبیرکل سازمان ملل "تصریح گردیده است.

از سوی دیگر سازمان ملل اخیرا با ارائه یک طرح ۹ ماده‌ای در مورد چگونگی اجرای قطعنامه سازمان ملل تلاش‌های خود را برای برقراری آتش بس در جنگ ایران و عراق از سر گرفته است. گرچه هنوز این طرح بطور علنی انتشار نیافته است اما گفته می‌شود در این طرح از طرفین جنگ خواسته شده است که بی درنگ به درگیری‌های نظامی در کلبه جبهه‌ها خاتمه دهند. این یک آتش بس غیررسمی خواهد بود که سازمان ملل برای اجرای آن نظارت خواهد کرد. بعد از همزمان با آن، کمیسیون تحقیق تشکیل خواهد شد که موظف است در یک فاصله زمانی معین حکم با احکام خود را پیرامون مسئولیت آغاز و یا ادا مه جنگ اعلام کند. علاوه بر این، در این طرح تشکیل یک کنفرانس منطقه‌ای با شرکت ایران و عراق و شش کشور عرب خلیج فارس پیش بینی شده

است که باید در مورد اصول ناظر بر استقرار امنیت در خلیج فارس تصمیم گیری کنند. این طرح ۹ ماده‌ای در ۲۵ مهر ماه در اختیار ایران و عراق قرار گرفته و با بدطرفین حداکثر تا ۱۵ روز با سخفای کتبی خود را به دبیرکل سازمان ملل ارائه دهند. ضمنا با ادا فاهه کرد که در این طرح تشکیل هیئت تحقیق برعهده دبیرکل سازمان ملل گذاشته شده است.

اما چشم انداز دور جدید تلاش‌های سازمان ملل که از آن بد رستی بمشابه آخرین شانس برای خاتمه مسالمت آمیز جنگ ایران و عراق یاد می‌شود، با توجه به مواضع جنگ طلبانه رژیم خمینی چندان روشن نیست. زیرا از هم اکنون سران رژیم اعلام کرده‌اند که "قبول آتش بس قبل از معرفی متجا و غیر متجا است." در حالیکه در طرح دبیرکل سازمان ملل برقراری آتش بس حتی قبل از تشکیل کمیسیون تحقیق یا حداکثر همزمان با آن پیش بینی شده است.

بعلاوه رژیم جمهوری اسلامی وظیفه کمیسیون تحقیق را محدود به تعیین متجا و زوآغا زکننده جنگ میکند. در حالیکه رژیم عراق خواهان آنست که در صورت تشکیل یک کمیسیون تحقیق وظیفه آن نباید به تعیین متجا و زوآغا زکننده جنگ محدود گردد بلکه باید تعیین و معرفی ادا مه دهنده جنگ را نیز در بر گیرد. در مورد تعیین غرامت جنگی نیز وضع بس همین منوال است.



خمیه شب بازی مبارزه با گرانفروشی

بقیه از صفحه ۱

اسلامی، که قصد ادا ردا بطرح "اقتما دنونین" و شمار "تقرزدا شیدر جا معه" اقتما دبحران زده میهنمان را از فرورفتن هر چه بیشتر در گردابی بحرانسی نجات دهد، همراه با اخطا روتوب و شرابینگونه خلاصه می‌کنند که "با اختیارات تعزیر حکومتی، دیگر هیچ مسئولی حق ندارد در برابر اجافات عده‌ای مستکبر ساکت نشسته و به آنها نه‌ندانستن اختیارات شان از مسئولیت خالی کند". پس از "تفویض اختیارات تعزیر حکومتی" روزنامه‌های وابسته به جمهوری اسلامی و مبلغین رژیم نیز جنجال راه انداختند که "دیگر بس بست طرح‌های دولت در رابطه با گرانفروشی گشوده شده است"، "علت گرانفروشی ضعف قانون و خلا قانونی بسود که با اختیارات تفویض شده از سوی امام خمینی

به روی صحنه می‌آید، نمایی که جز برتر کردن جیب تجار بزرگ و دولتمردان، که از زعوا مسل مهم گرانفروشی هستند، دستاورد دیگری نداشته و نخواهد داشت. البته این بار به نظرمی رسد که سنا ریونگی تروپریها هوتر از سنا ریوهای قبلی باشد. روزنامه‌های دولتی هر روز خبر از بستن شدن صدها باب مغازه و فروشا ه و مدور جریبه‌های سنگین و تعزیرات اسلامی و کشف کالاهای احتکار شده ... دارند. تنها در طول چند روز ۸۰ کسبه در خرم آبا دبا زداشت شدند و به جرم احتکار، گران فروشی، کمفروشی، بدفروشی، امتناع از فروش کالا عدم نصب اشکات بر روی کالاها، فروش و عرضه کالا خارج از سیستم توزیع و... واحدهای صنفی آنها بسته شدند!

این طرح را موسوی نخست وزیر جمهوری

"بیش از ۱۲ هزار بار زرس بسیج شده اند تا با" ابزار قدرتمند "تفویض اختیارات تعزیر حکومتی به دولت از سوی خمینی" بر سرخهای کالاهای اساسی که قصد ادا ردا آنها را به ۱۵۰ قلم برسانند "کنترل و نظارت کنند. در حال حاضر تمام کشورهای بیوشش طرح "مبارزه با گرانفروشی" قرار گرفته تا "گران فروشان، بدفروشان، کمفروشان و محتکرین" را به سزای اعمال فدا اسلامی‌شان برسانند. ابعاد این بسیج چنان گسترده است که تنها برای سیستان و بلوچستان ۲۵۰ ناظر و بار زرس در نظر گرفته شده است. فرم طرح شکایات مردم از گرانفروشان نیز بسزودی در اختیار مردم قرار خواهد گرفت.



برای چندمین بار است که چنین سناریوسوی بی‌سروته‌ای در طول حیات تنگین جمهوری اسلامی

برخی مسائل تئوریک در رابطه با جنبه

مبارزه دموکراتیک بیکسیرا در مرحله کنونی به پلاتفرم بورژوا - دموکراتیک خالص تقلیل داده و آنرا در چارچوب دموکراسی بورژواشی محدود و محصور می‌کند. این دیدگاه در حقیقت مضمون تحول آتی و انقلاب را در چارچوب دموکراسی بورژواشی رزیا بی‌کرده و مبارزه برای کسب دموکراسی در این چارچوب را هدف مقدم پرولتاریای ایران قرار می‌دهد. دیدگاه دیگر بدستی مضمون انقلاب و تحول آتی را فراتر از چارچوب سرمایه - داری ارزیابی کرده و مبارزه برای دموکراسی ای فرا ترا چارچوب دموکراسی بورژواشی را هدف مقدم پرولتاریا بشمار می‌آورد ولی آنجا که پیروزی انقلاب را در گرو کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و شهیدستان شوروروستا دانسته و مضمون طبقاتی دیکتاتوری دموکراتیک و انقلابی را اتحاد آلتاریا و نیمه پرولتاریا شریف می‌کند، و در واقعیت امر استراتژی انقلاب سوسیالیستی را برای مرحله دموکراتیک انقلاب ارائه کرده و عملاً خرده بورژوازی شوروروستا را از زمره نیروهای انقلاب در مرحله دموکراتیک انقلاب حذف می‌کند به انحراف "چپ" گرایش می‌یابد.

"راه کارگر" تلاش می‌کند، این دودرک مختلف و متضاد را در هم آمیخته و استراتژی سیاسی خود را بر پایه جنین التقاطی استوار سازد و در نتیجه در هر گام با تناقضات و معضلات جدی روبرو گشته و عملیات پیشبرد مشی سیاسی روشن و مشخص بازمی‌ماند. طرح انواع و اقسام جبهه‌های مختلف، فقدان پیگیری در تلاش برای تحقق طرحی که ارائه می‌کند، نوسانهای مداوم و نداشتن جسارت سیاسی لازم برای عملی کردن موضعگیریهای سیاسی از همین التقاط فکری نشأت می‌گیرد. بی‌جهت نیست که امروزه بخشی از طرحها و موضعگیریهای سیاسی "راه کارگر" بر روی کاغذ باقی مانده و با زتاب عملی در پی در پی تیک "راه کارگر" نمی‌یابد. "راه کارگر" بدلیل اغتشاش فکری از پی ریزی استراتژی سیاسی مشخص و تشخیص حلقه‌های اصلی در پیشبرد مبارزه که باید محکم به آنها چسبید ساز می‌ماند و گسیختگی میان تئوری و عمل، نتیجه مستقیم آنست.

علیرغم این التقاط فکری و در هم اندیشی، آنجا که "راه کارگر" در "مرحله کنونی و در مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" و "فاز نخستین انقلاب"، مضمون جنبش انقلابی را مطلقاً بورژواشی ارزیابی کرده و بر مخاطب قرار دادن جنبش یا پلاتفرمی مطلقاً بورژوا - دموکراتیک و اساس قرار دادن جنبش پلاتفرمی بمثابه پایه اشتقاقی طبقاتی، موکداً تاکید می‌ورزد. عملاً در مرحله کنونی به انحراف راست تمایل پیدا می‌کند و همین لحاظ نیز در این بخش ما عمدتاً حول این دیدگاه انحرافی مکتب خواهیم کرد.

"راه کارگر" در توضیح اینکه چرا "مضمون جنبش انقلابی در مرحله نخست انقلاب و مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، مطلقاً بورژواشی است" و "جنبش را باید با پلاتفرمی مطلقاً بورژوا - دموکراتیک مورد خطاب قرار داد" و "جنبش

"پلاتفرمی را باید در دستورالعملی قرار داد" کمتر به تحلیل مشخص از شرایط مشخص ایران پرداخته و بیشتر به صدور احکام و کلی گویی و نقل قول آوردن از لنین می‌بادرت می‌ورزد. "راه کارگر" می‌نویسد: "اگر انقلاب ایران نمی‌تواند به دموکراسی در معنای خاص آن، یعنی دموکراسی بورژواشی، اکتفا کند؛ مسلماً بدون دموکراسی بورژواشی نمی‌توانند روی غلتک بیفتند."

(راه کارگر - شماره ۳۹ تا کیداز ماست) ویا: "پرولتاریا برای آنکه بتواند بمثابه طبقه پیشاهنگ خلق متحد و متشکل شود و با تصرف قدرت دولتی به بهره‌کشی و فلاکت موجود پایان دهد، در گام اول ناگزیر است برای آزادیهای سیاسی بخت کند."

(همانجا - تا کیداز ماست) ویا: "برنا مه حداقل پرولتاریا بیان کننده ضرورت مبارزه برای دموکراسی بمثابه حلقه مقدم و پیش شرط تکامل مبارزه طبقاتی است. مبارزه برای دموکراسی، مبارزه طبقاتی خاص پرولتاریا نیست بلکه مبارزه عمومی برای یک سلسله اصلاحاتی است برای برانداختن حاکمیت موجودا استبداد."

(همانجا - تا کیداز ماست) و بر پایه این احکام نتیجه می‌گیریم که: "ما ده است تا به منظور سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تأمین دموکراسی سیاسی، استقلال و پایان دادن به جنگ ارتجاعی، حق تعیین سرنوشت خلقها و دفاع از سطح زندگی شده‌ها جبهه واحدی بر پایه مطالبات حداقل پرولتاریا - کلیه احزاب دمکرات و انقلابی که این مطالبات را می‌پذیرند و آماده مبارزه با هرگونه اعمال نظم پلیسی، نظامی و بوروکراتیک بر مردم هستند، تشکیل دهد."

(قطعناً ما در باره جبهه واحد دموکراتیک و ضد امپریالیستی - تا کیداز ماست) "راه کارگر" در توضیحات خود پیرامون قطعناً ما جبهه واحد دموکراتیک و ضد امپریالیستی، بسیاری اشیات این احکام و ضرورت مبارزه برای دموکراسی بورژواشی بمثابه وظیفه مقدم پرولتاریای ایران در مرحله نخست انقلاب، بجای کارست مندلینینی یعنی برخورد مشخص و تاریخی با وظایف پرولتاریا در انقلاب و نقش بیگانه دموکراتیک، به نسخه برداری ناقص از انقلاب روسیه دست یازیده و با آوردن نقل قولهای از لنین درباره وظایف پرولتاریای روسیه در انقلاب بورژوا - دمکراتیک، وظیفه مقدم پرولتاریای ایران را نتیجه می‌گیرد، اما این موضوع اساسی را بغراموشی می‌سپارد که لنینیسم بر تحلیل مشخص از شرایط مشخص تاکید دارد و انقلاب ایران در شرایط تاریخی کاملاً متفاوت با انقلاب روسیه بوقوع خواهد پیوست، ساخت اجتماعی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران با ساخت جامعه روسیه در آن سالها تما یزات اساسی دارد و طبیعتاً وظایف پرولتاریای ایران در انقلاب با وظایف پرولتاریای روسیه در انقلاب روسیه

نمی‌تواند یکسان و همانند باشد و شکی نیست که لنین درباره وظایف مقدم پرولتاریای روسیه و نقش دموکراسی بورژواشی در انقلاب روسیه گفته است، نمی‌تواند عیناً و نعل بالنعل در شرایط مشخص ایران صادق باشد. این امر البته به هیچ وجه بمعنی انکار، اهمیت و عمومیت مباحثی عام تدوین شده توسط لنین نیست، بلکه خاطر نشان نمودن آن برای جلوگیری کردن از کپیبرداری ساده‌فروزیست. تحلیل علمی شرایط مشخص در پرتو تئوریهای عمومی ممکن و میراسست و هر مارکسیستی موظف است به این تئوریها مجهز گشته و آنرا در شرایط مشخص بکار بندد ولی تئوریهای عمومی ما را بهیچوجه از تحلیل مشخص و استنتاجهای مشخص بی‌نیاز نمی‌کند.

لنین زمانیکه درباره نقش بیگانه دمکراتیک و وظیفه مقدم پرولتاریای روسیه سخن می‌گفت، شرایط مشخص روسیه و وظایف تاریخی انقلاب بورژوا دموکراتیک روسیه و چشم انداز تکامل آنرا مدنظر قرار می‌داد. لنین درباره انقلاب روسیه می‌نویسد:

"ما رکیستها مسلماً معتقدند که انقلاب روس جنبه بورژوازی دارد. این یعنی چه؟ یعنی اینکه آن اصلاحات دموکراتیک در رژیم سیاسی و آن اصلاحات اجتماعی و اقتصادی که برای روسیه جنبه فسروری پیدا کرده‌اند، سخودی خوددنه تنها موجب اصلاحات اضمحلال سرمایه‌داری و سیاست بورژوازی را فراهم نمی‌سازد، بلکه بعکس برای اولین بار زمینه را بطور واقعی برای تکامل وسیع و سریع اروپا، شرق آسیا، سرمایه‌داری آماده می‌نماید."

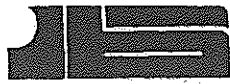
(منتخبات به فارسی - ص ۴ - ۳۱۳ تا کیداز ماست)

و یا: "انقلاب بورژوازی مظهر تقاضای تکامل سرمایه‌داریست و نه فقط پایه‌های سرمایه‌داری را محسوس نمی‌سازد بلکه آنها را وسعت داده و عمیق‌تر می‌کند." (همانجا)

لنین تکامل سرمایه‌داری را در روسیه اجتناب ناپذیر دانسته و ادامه تکامل سرمایه‌داری را در زوایه‌ها ممکن شمرده و می‌نویسد: "ما رکیسم بطلان هذیان کوشیهای نارودنیکها و آنارشیستها را که تصویری کرده مثلاروسیه می‌تواند راه تکامل سرمایه‌داری را نسیماید و از دیگری سوی مبارزه طبقاتی که بر زمینه‌ها ردیوار همین سرمایه‌داری انجام می‌یابد، از سرمایه‌داری بیرون بجهودیا اینکه از روی آن جهش نماید، بطور تکذیب ناپذیری به ثبوت رسانید.

تمام این اصول مارکسیسم با تفصیل کامل چه بطور عمومی و چه بطور خصوصی در مورد روسیه به ثبوت رسیده و حلای شده است. از این اصول چنین مستفاد می‌شود که فکر تجسس راه نجات برای طبقه کارگر در چیزی بجز ادامه تکامل سرمایه‌داری، فکری است ارتجاعی."

(همانجا - تا کیداز ماست) در آن شرایط تاریخی و وضعیت مشخص روسیه،



رشد و تکامل سرمایه‌داری در روسیه اجتناب‌ناپذیر بود و جستجوی راه دیگری بجز تکامل سرمایه‌داری فکری ارتجاعی بشمار می‌آمد و ولنتین با ارائه این تحلیل مشخص، وظائف انقلاب بورژوازی-دموکراتیک را هموار کردن راه رشد و تکامل سریع و "اروپایی" سرمایه‌داری می‌دانست و بر این پایه مضمون اصلی اطلاعات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایرا که در روسیه جنبه ضروری و منبر یافته بود، تعیین می‌کرد. این اصلاحات بنا به ماهیت و خلقت انقلاب روسیه، راه رشد و تکامل سریع سرمایه‌داری را می‌بایست هموار نماید و نمی‌توانست از چارچوب سرمایه‌داری فراتر رود و در برگیرنده اصلاحات بورژوازی-دموکراتیک در چارچوب سرمایه‌داری بود. ماهیت و خلقت انقلاب روسیه، مضمون اصلاحات ضروری و منبر و مضمون وظائف پرولتاریا در انقلاب روسیه را مشخص می‌ساخت. برنا مه‌حداقل پرولتاریای روسیه که برنا مه‌عمل آن در انقلاب بورژوازی-دموکراتیک بشمار می‌رفت برجسته‌ترین مبنای تئوریک گشته بود و مشتمل بر اصلاحاتی بود که راه تکامل سریع سرمایه‌داری را در روسیه هموار می‌ساخت و برای برداشتن گام بعدی بسوی سوسیالیسم ضروری بود. مدتها را طی بلشویکیها، جمهوری، هشت ساعت کار روزمین، هدفها و خطوط اصلی برنا مه‌حداقل پرولتاریا در انقلاب روسیه، دموکراتیک روسیه را بطور موجز بیان می‌کرد. در آن شرایط، مبارزه برای سرنگونی تزاریسیم و نابودی سراز و تحقق پیگیری اصلاحات بورژوازی-دموکراتیک وظیفه مقدم پرولتاریا بشمار می‌آمد، پرولتاریای روسیه بناچار بود در گام نخست برای تحقق اصلاحات بورژوازی-دموکراتیک و انجام تحول در چارچوب دموکراسی بورژوازی بجنگد. ولنتین بر ضرورت انجام تحول در جهت دموکراسی بورژوازی در روسیه تاکید کرده و می‌نویسد:

"اصلاح رژیم اقتصادی و سیاسی روسیه در جهت دموکراسی بورژوازی امریست اجتناب‌ناپذیر و غیرقابل دفع. هیچ نیروی در زمین یافت نمی‌شود که بتواند از این اصلاح مانع نماید. ولی با ترکیب نیروهای موجوده فعلی که موجوده اصلاح هستند ممکن است چنین حاصل شود که نتیجه و یا شکل این اصلاح یکی از این دو حال را پیدا کند: (۱) یا کار به "پیروزی قطعی برتزاریسیم" خاتمه می‌یابد و یا بدویا اینکه (۲) برای پیروزی قطعی قوا کافی نخواهد بود و در نتیجه کار به بندوبست تزاریسیم یا "ناپیکیرترین" و "خودغرضترین" عناصر بورژوازی خاتمه می‌یابد."

(منتخبات فارسی - ص ۲۵۶ -)

تاکید از ما ست

ولنتین ضمن تاکید بر ضرورت تحول در جهت دموکراسی بورژوازی و عدم امکان فراتر رفتن از چارچوب سرمایه‌داری مبارزه برای وسعت بخشیدن به حدود چارچوب بورژوازی-دموکراتیک اشاره کرده و می‌نویسد:

"ما نمی‌توانیم از چهار دیوار بورژوازی-دموکراتیک انقلاب روس یکباره به خارج آن جستن نماییم. ولی ما می‌توانیم حدود این چهار دیوار را بمقیاس عظیمی وسعت دهیم، ما می‌توانیم و باید در حدود این چهار دیوار در راه منافع پرولتاریا و نیازمندیهای مستقیم وی و در راه شرایطی که

نیروهای وی را برای پیروزی کامل آینده آماده می‌سازد مبارزه کنیم. دموکراسی بورژوازی داریم تا دموکراسی بورژوازی... ولی هیئات به ما رگبستی که در دوره انقلاب دموکراتیک متوجه این فرق موجوده بین مراحل مختلف دموکراسی و بین جنبه‌ها و اشکال گوناگون آن نشود."

(منتخبات فارسی - صفحه ۲۵۵)

ولنتین به سرانجام رساندن تحول بورژوازی-دموکراتیک و وسعت بخشیدن به حدود چارچوب بورژوازی-دموکراتیک را وظیفه مقدم پرولتاریای روسیه بشمار آورده و در همین رابطه بر ضرورت سرنگونی رژیم تزاری و استقرار دیکتاتور انقلابی دموکراتیک، کارگران و دهقانان تاکید کرده و می‌نویسد:

"پیروزی قطعی برتزاریسیم" عبارتست از استقرار دیکتاتوری انقلابی دموکراتیک کارگران و دهقانان.

(همانجا - ص ۲۵۷ - تاکید از ولنتین است)

ولنتین در مباحثه با منشویکیها حول حکومت موقت انقلابی، درک کامل روشنی از مضمون و ضرورت برنا مه‌حداقل پرولتاریا ارائه کرده و می‌نویسد:

"سبب سؤال می‌شود آیا مشی پرولتاریا نیست به حکومت انقلابی موقت بطور کلی یا بدجگونه باشد؟ در پاسخ این مطلب قطعاً مکنکره قتل از همه به حزب توصیه صریح می‌کنند که اندیشه ضرورت ایجاد حکومت موقت را در میان طبقه کارگران آهدهدند. طبقه کارگران باید این ضرورت را درک نمایند. در همان حال که بورژوازی "دمکرات" در باره مسئله سرنگون ساختن حکومت تزاری سکوت اختیار رسمی نماید، ما باید آنرا در درجه اول اهمیت قرار داده و در مورد لزوم تشکیل حکومت انقلابی موقت اصرار ورزیم. علاوه بر آن ما باید برنا مه‌عمل این حکومت را بر طبق شرایط عینی لحظه تاریخی فعلی و طبق وظائف دموکراسی پرولتاریا معین نماییم. این برنا مه شامل تمام برنا مه‌حداقل ما یعنی برنا مه اصلاحات فوری سیاسی و اقتصادی است که از طرفی در شرایط مناسبات اجتماعی و اقتصادی فعلی کاملاً قابل اجرا است و از طرف دیگر برای برداشتن گام بعدی بطور عملی کردن سوسیالیسم ضروری است."

(همانجا - تاکید از ما ست)

برنا مه‌حداقل پرولتاریا در آن شرایط، یعنی برنا مه‌عمل آن در انقلاب دموکراتیک روسیه بنا به وضعیت مشخص و تاریخی روسیه، در برگیرنده اصلاحات بورژوازی-دموکراتیک در رژیم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روسیه بود و پرولتاریای روسیه در گام نخست می‌بایست برای متحقق ساختن این برنا مه و به سرانجام رساندن تحول بورژوازی-دموکراتیک، مبارزه کند. جنبش انقلابی در روسیه در این مرحله دموکراتیک مضمون بورژوازی داشت و سوسیال دموکراسی ناچار بود با بلاتفرسی بورژوازی-دموکراتیک جنبش را مورد خطاب قرار داده و کارگران و دهقانان را به مبارزه بسرای عملی کردن این برنا مه فرا بخواند. نقل قولهای ولنتین نیز در رابطه با این شرایط مشخص و تاریخی انقلاب روسیه با بیدر نظر گرفته شده و فهمیده شوند نه اینکه بطور مجرد و جدا از شرایط مشخص، حال اگر شرایط مشخص و تاریخی انقلاب ایران و مناسبات اساسی آنرا با انقلاب روسیه مدنظر قرار دهیم

نا درستی کپی برداری ناقص "راه کارگر" از انقلاب روسیه آشکارتر می‌شود.

دوره نخست انقلاب ایران در شرایط تاریخی بسیار متفاوتی با انقلاب روسیه قرار دارد. مناسبات بین المللی نسبت به سالهای انقلاب روسیه دستخوش دگرگونیهای اساسی گشته است. با پیروزی انقلاب اکتبر، عمرونویسی در تاریخ بشریت، یعنی عمرگزارا سرمایه‌داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی آغاز گشته و چشم اندازهای نوینی برای تکامل اجتماعی جوامع عقب افتاده گشوده شده است. برخلاف شرایط تاریخی انقلاب روسیه که راه تکامل سرمایه‌داری تنها امکان و چشم انداز موجود بود و "فکر تجسس راه دیگری بجز تکامل سرمایه‌داری فکری ارتجاعی" بشمار می‌آمد، در عصر ما راه تکامل سرمایه‌داری تنها امکان و سرنوشت تقدیرناپذیر جوامع عقب افتاده نیست و همانگونه که ولنتین در کمیته سران اشاره نمود: "اشتباه خواهد بود اگر گمان کنیم که خلقهای عقب مانده یا بدبطور اجتناب‌ناپذیر از مرحله تکامل سرمایه‌داری خود بگذرند. این کشورها می‌توانند "با پشت سر گذاشتن چند مرحله تکاملی بی‌آنکه نیازی به عبور از مرحله سرمایه‌داری باشند به سوسیالیسم برسند." این دگرگونی در مناسبات بین المللی گشوده شدن چشم اندازهای نوینی تکامل تاریخی، انقلابات دموکراتیک را با باره‌ای وظائف نوین تاریخی مواجه میسازد که در انقلاب روسیه بطور مشخص مطرح نبود. چگونگی طی مراحل مختلف تکاملی بدون عبور از مرحله سرمایه‌داری و گذار به سوسیالیسم، مضمون انقلابات دموکراتیک را تعیین بخشیده، و این انقلابات را با وظائف نوین و پیچیده و نوینی روبرو می‌سازد. در شرایط نوین تاریخی، بطور عمومی وظیفه تاریخی انقلابات دموکراتیک، نه هموار کردن راه تکامل سریع سرمایه‌داری، بلکه قراردادن جامعه در مسیر گذار و تکامل بسوی سوسیالیسم می‌باشد. به همین دلیل این انقلابات در چارچوبهای کلاسیک بورژوازی-دموکراتیک نمی‌توانند محدود و محصور باشند و این چارچوبها هم می‌نورند. تجربه تاریخی انقلابات دموکراتیک پس از پیروزی اکتبر، صحت و درستی استنتاجهای شوریک ولنتین را در عمل بشکوت رساند و نشان داد که اهداف و وظائف انقلابات دموکراتیک در چارچوب سرمایه‌داری بطور کامل قابل تحقق نیست و بلحاظ عینی این انقلابات ظرفیت سمت‌گیری غیر سرمایه‌داری داشته و تحت رهبری سیاست پرولتاری می‌توانند خصوصیات ضد بورژوازی کسب کنند. در همین روند شدن و تلفیق وظائف دموکراتیک و سوسیالیستی و رشد عناصر سوسیالیستی در انقلابات دموکراتیک در شرایط تاریخی کنونی فاکت و حقیقتی غیر قابل انکار است.

در عصر کنونی، امکان عینی برای تحقق تحول دموکراتیک در جهت فراتر از چارچوب دموکراسی بورژوازی بوجود آمده است و اهداف و وظائف تاریخی انقلابات دموکراتیک، در انجام یک رشته اصلاحات بورژوازی-دموکراتیک نمیتوانند محدود و خلاصه شود و با انجام دگرگونیهای در جهت

کذا ربه سوسیا لیسیم که فراتر از چارچوب سرما یسه داری است توام گشته و بی‌بندگست نا پذیر می خورد. این وضعیت تاریخی در تدوین برنا مسه و استراتژی و تاکتیک کمونیستها با یدکا ملادر نظر گرفته شده و مینا قرار گیرد. این امر در برنا مسه عملی کمونیستها در انقلابات دموکراتیک، بطور عمومی بدینگونه متجلی میشود که: در برنا مسه نمیتوان صرفا به خواسته‌های بورژوا - دموکراتیک اکتفا نمود و خواسته‌هایی که فراتر از چارچوب سرما یسه داری می روند نیز می بایست در برنا مسه عملی وادگر کردند. سبب این دیگر برنا مسه می بایست در برگیرنده مجموعه اقداماتی باشد که در چارچوب سرما یسه داری قرار دارند و آن فراتر می روند. و این بطور عمومی تفاوت و تمایز اصلی برنا مسه عملی کمونیستها در انقلابات دموکراتیک عصر کنونی با برنا مسه سوسیا ل دموکراسی روسیه در انقلابات دموکراتیک روسیه می باشد. مفهوم این تمایز اینست که گریپرولتاریا ی روسیه در انقلاب دموکراتیک در گام نخست می بایست برای انجام آن در جهت دموکراسی بورژواشی و تحقق اصلاحات بورژوا - دموکراتیک بپردازد، در انقلابات دموکراتیک عصر حاضر پروولتاریا در همان گام نخست (یعنی مرحله دموکراتیک انقلاب) بایست برای انجام تحول در جهت چارچوبی فراتر از دموکراسی بورژواشی و انجام اصلاحات بورژوا - دموکراتیک و دیگر گونیهایی فراتر از چارچوب سرما یسه داری نبرد کنند. مضمون و چارچوب وظیفه مقدم پروولتاریا در انقلابات دموکراتیک در شرایط تاریخی کنونی، نسبت به آن وضعیت تاریخی در مقیاس وسیعی عمق و گسترش یافته و نتیجتا مفهوم مشخص دموکراتیکم پیگیر نیز شعمیق یافته است. دموکراتیکم پیگیر از محدوده‌های عادی بورژوا - دموکراتیک فراتر می رود و پروولتاریا بمانند مدافع پیگیر دموکراسی، از دموکراسی ای فراتر از چارچوب‌های دموکراسی بورژواشی در انقلاب دموکراتیک دفاع می کند و برای جلب کردن و ملحق نمودن سایر نیروهای طبقاتی به جنبش فراتر می بایست می کند.

این بطور کلی درباره شرایط تاریخی انقلاب ایران، اگر شرایط مشخص و مشخصه‌های اصلی انقلاب ایران را در نظر بگیریم، بهم پیوستگی و تفکیک نا پذیر و وظایف دموکراتیک، ضد امپریالیستی و ضد سرما یسه داری انقلاب و تلفیق خواسته‌هایی که در چارچوب بورژوا - دموکراتیک قرار دارند و از آن فراتر می روند روشنتر می شود. مناسبات سرمایه داری سالهاست که بدنیاال رفتمای دهه جهل بصورت مناسبات مسلط در ایران درآمده و دولت خصلت و ما هیت بورژواشی یافته است. انقسلاب بهمین گره جز رژیم سلطنتی را در هم کوبید و سرنگون ساخت و بورژوازی بزرگ و ابسته را از قدرت سیاسی به زیر کشید، ولی بدلیل قرار گرفتن قدرت سیاسی در دست ائتلافی ضد انقلابی با شکست مواجه گردید و نتوانست اصلاحات و وظایف انقلاب دموکراتیک ایران را محقق نماید. حاکمیت نوین سیاسی بنا به ما هیت ارتجاعی آن زمان نخستین روزهای بقدرت رسیدن در جهت حفظ و بازسازی مناسبات سرما یسه داری و تدویم وابستگی اقتصادی به امپریالیسم تلاتی ورزید. در رژیم جمهوری اسلامی

گرچه دین با دولت کاملاً تلفیق گشته، روحانیت از امتیازات ویژه برخوردار است و قوانین ارتجاعی و عقب مانده ترون و وظایف اعمال میشود، اما این به معنی نفی ما هیت بورژواشی قدرت حاکمه و رژیم جمهوری اسلامی نیست. رژیم جمهوری اسلامی مدافع و پاسدار مناسبات سرما یسه داری و وابستگی اقتصادی به امپریالیسم می باشد. مناسبات سرما یسه داری و وابستگی اقتصادی به امپریالیسم بخش دولتی اقتصاد دیمنا به بخش مهمی از اقتصاد کشور که بشکل کاملاً بوروکراتیک اداره میشود، ما هیت سرما یسه داری دارد و مرجعین حاکم از طریق در اختیار گرفتن بخش دولتی اقتصاد و تجارت‌های سودآور، قسمت مهمی از منابع مالی خود را تا مین می کنند. در چنین وضعیتی، مبارزه دموکراتیک، استبداد بورژواشی حاکم را تا ما حمله خود قرار داده و در بن خدعنا ضد سرما یسه داری را می پروراند. تحول دموکراتیک و انقلابی در ایران در نخستین گام خود دولت بورژواشی را بایست سرنگون کرده و در هم بشکند و بلافاصله طبقاتی لبه تیز حمله اش متوجه بورژوازی است. تحول دموکراتیک و انقلابی در چارچوب سرما یسه داری در ایران بنادار فنی بوجی بیش نیست و هرگونه تجسس برای نجات طبقه کارگر و حمتکشان و استقرار دموکراسی بایست در چارچوب سرما یسه داری فکری است ارتجاعی. بیکار دموکراتیک و مبارزه واقعی برای دموکراسی را اگر بلافاصله مضمون طبقاتی در نظر بگیریم، نبرد سختی است بین خلق (یعنی کارگران و خرده بورژوازی شهر و روستا) در یکسو و بورژوازی در سوی دیگر. جنبش دموکراتیک و انقلابی در ایران در همان گام نخست و مرحله آغازین، استبداد بورژواشی و دولت بوروکراتیک و نظامی ارتجاعی ما هیت بورژواشی را تا ما حمله خود قرار می دهد و بهمین دلیل نیز خصلت ضد بورژواشی کسب می کند. انقلاب ایران نه تنها بلافاصله تاریخی دارای ظرفیت جهت گیری ضد بورژوازی است، بلکه مشخصاً خصلت ضد بورژواشی دارد. هنگامیکه ز خصلت ضد سرما یسه داری انقلاب ایران سخن گفته و بر آن تاکید می کنیم مفهوم دیگری بجز این نیز نخواهد داشت. انقلاب بهمین گره با عدم موفقیت روبرو گشت، اما خاصاً شعلی انقلاب ایران را بروشنی نشان داد و این موضوع را با ثبات رساند که انقلاب ایران علیرغم خصلت دموکراتیک خود، خصلت ضد بورژواشی داشته و از چارچوب سرما یسه داری فراتر می رود. بورژوازی بزرگ و ابسته، از همان آغاز جنبش انقلابی، تا ما ح اصلی بیکار دموکراتیک بوده‌ها در مبارزه برای سرنگونی رژیم سلطنتی بود. مراکز جور و ستم رژیم و موسسات و بنا نگهای دولتی و خصوصی که در بیکار انقلابی بوده‌ها مورد حمله قرار می گرفتند، این موضوع را به عین نشان میداد. بی جهت نبود که سردمداران رژیم و سرما یسه داران و زمینداران بزرگ با اوج گیری جنبش انقلابی، احساس خطر شده و به خارج از کشور گریختند. با آنکه رهبری و اسپکراسا ز شکار، عنان رهبری جنبش نبوده‌ها را در اختیار داشت، با این وجود جنبش آنچنان عمیق و ریشه دار بود که رهبری نتوانست اقدامات مستقل و انقلابی بوده‌ها را مهار کند. در قیام

بهمین توده‌ها مستقلاً برای درهم شکستن ارگانهای نظامی و بوروکراتیک بحرکت درآمدند، شوراها و ارگانهای توده‌ای شکل گرفت، توده‌ها مسلح گشتند و در محدوده‌های معینی به اعمال اراده و اداره امور دست زدند، به مبارزه موسسات، زمینها و اموال و سرمایه‌های متعلق به سرما یسه داران و زمینداران بزرگ مبارزه ورزیدند، کنتسبرل کارگری در بخشی از کارخانجات شکل گرفت و... این فاکتورها بطور انکارنا پذیر خصلت بارز ضد سرما یسه داری انقلاب ایران را آشکارا کرد و نشان داد که یک انقلاب حقیقی و توده‌ای در ایران نمی تواند در چارچوب‌های عادی بورژوا - دموکراتیک و در محدوده سرما یسه داری محصور بماند و بیچارگان دموکراتیک، بسیار فراتر از این چارچوب‌های می رود. آیا جنبش انقلابی تا سرنگونی رژیم سلطنتی مطلقاً مضمون بورژواشی داشت و خواسته‌های واقعی توده‌ها در چارچوب خواسته‌های مطلقاً بورژوا - دموکراتیک محصور می گشت و ما کمونیستها می بایست جنبش را صرفاً با خواسته‌هایی که در چارچوب سرما یسه داری قرار می گرفتند، مورد خطاب قرار می‌دادیم؟ نه بهیچوجه! جنبش انقلابی حتی در مرحله مبارزه برای سرنگونی رژیم سلطنتی، بلافاصله عینی جهت گیری ضد بورژواشی داشت، خواسته‌ها و مطالباتسی که فراتر از چارچوب سرما یسه داری قرار می گرفتند در همان مرحله نیز از زمینه پذیرش بسیار رقیب در میان توده‌ها برخوردار نبودند. تجربه خود ما در این زمینه کاملاً مؤزنده است، سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران در آستانه قیام بهمین بلاتفرمی انتشار داده و جنبش را با آن مورد خطاب قرار داد. در این بلاتفرم علاوه بر خواسته‌های بورژوا - دموکراتیک خواسته‌هایی نیز که فراتر از چارچوب سرما یسه داری قرار داشتند (از قبیل سلب مالکیت از سرما یسه داران و زمینداران بزرگ، دمکراتیزه کردن بخش دولتی و...) گنجانده شده بود، تجربه خود ما در عمل بمان نشان داد که انتشار چنین بلاتفرمی که مشتمل بر خواسته‌هایی نیز بود که از چارچوب سرما یسه داری فراتر می رفت بهیچوجه اشتباه نبوده است. اشتباه ما این بود که بسیار دیر در آستانه قیام به این عمل مبارزه ورزیدیم و نتوانستیم بلاتفرم دقیق و کاملی تنظیم و تدوین نماییم. ما می بایست از مدتها پیش بلاتفرم کاملی مشتمل بر خواسته‌هایی که در چارچوب سرما یسه داری قرار می گرفتند و آن فراتر می رفتند، تنظیم می کردیم، جنبش را با این بلاتفرم مورد خطاب قرار داده و آنرا تبلیغ و ترویج می کردیم و ضرورت اجرای بی درنگ و فوری چنین بلاتفرمی را برای پیروزی انقلاب و پیشرفت آن به توده‌ها توضیح داده و آنها را به اجرا عملی کردن آن فرامی خواندیم و تلاش می کردیم بلاتفرمان به برنا مسه عملی جنبش انقلابی توده‌ای تبدیل گردد. نتیجه اینکه از تحلیل شرایط مشخص و تاریخی انقلاب ایران و تجربه انقلاب بهمین میتوان گرفت اینست که وظیفه مقدم پروولتاریا ایران در انقلاب دموکراتیک ایران، مبارزه برای به انجام رساندن تحول انقلابی در چارچوب دموکراتیک بورژواشی و سرما یسه داری نبوده بلکه مبارزه برای تحقق تحول انقلابی در چارچوبی

فرا تراز محدودده های سرمایه داری است . خلعت با رزدمسرمایه داری انقلاب ایران و بیوشدو بهم پیوستگی خواستهای که درجارجوب سرمایه داری قرارمی گیرندو از آن فراتر می روند ، پرولتاریا را موظف می کندکه از همان آغاز انقلاب برای تحقق مجموعه این خواستها واستقراردموکراسی های فراتر ازجارجوبهای عادی دموکراسی بورژواشی مبارزه کند . پرولتاریای ایران درانقلاب با وظایف نفسی متفاوت ازپرولتاریای روسیه درانقلاب بورژوا - دموکراتیک روسیه روبروست ودرنتیجه تمام می آنچه را که لنین دربارہ وظایف مقدم پرولتاریاسی روسیه درانقلاب بورژوا - دموکراتیک روسیه گفته نمیشود بدون درنظرگرفتن شرایط تاریخی و مشخص انقلاب ایران ، بی کم وکاست ترجمه کرده و برای پرولتاریای ایران دیدگته نمود . بلکه ایده های اساسی لنین را باید بنحوخلاقانه ای در شرایط مشخص جامعه ایران بکار بسته وتوسعه و تکامل داد .

با وجودتجارب عظیم انقلابات پیروزمند در جارجوبه گیتی ، ازسرگذرانیدن تجربه غنی انقلاب بهمین وعلیرغم اینکه "راه کارگر" خودنویس بر خلعت فدرسرمایه داری انقلاب ایران اعتراف می کند ، حیرت آوراست که "راه کارگر" عنوان می نماید که : "جنبش انقلابی درمرحله نخستین انقلاب ودمبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مضمون مطلقا بورژواشی دارد" ، "پرولتاریاسی ایران درکام نخست برای دموکراسی بورژواشی باید مبارزه کند" ، "وظیفه مقدم پرولتاریاسی ایران مبارزه برای حقوق وآزادیهای دموکراتیک بورژواشی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است" ودر "نخستین مرحله انقلاب جنبش را نباید با پلاتفرمی موردخطاب قرار داد که دربرگیرنده خواستهای فراتر ازجارجوب سرمایه داری است" و سپس نتیجه می گیرد که درمبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پلاتفرمی مطلقا بورژوا - دموکراتیک دردستورائتلافی قرار داد وجبهه پلاتفرمی و فدا میریالیستی برپایه جنبش پلاتفرمی باید تشکیل شود .

"راه کارگر" با ارائه چنین نظریه سات و طرحهای عملا انقلاب ایران را بدو مرحله تقسیم می کند . مرحله یاقانخست انقلاب تا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که جنبش انقلابی دراین مرحله مضمون مطلقا بورژواشی دارد و جنبش را با پلاتفرمی صرفا بورژوا - دموکراتیک باید مورد خطاب قرار داد و جنبش پلاتفرمی دردستورائتلافی (که نقطه آغاز آن در طرحهای "راه کارگر" کاملا مشخص نیست) که انقلاب خلعت فدرسرمایه داری خواهد یافت و جنبش را با خواستهای فراتر ازجارجوب سرمایه داری نیز میتوان موردخطاب قرار داد وجبهه کارگری برای کسب قدرت سیاسی دردستورائتلافی قرار می گیرد . رابطه این دو مرحله ودیالکتیک تحول مرحله نخست به مرحله بعدی در طرحهای "راه کارگر" طلقه گمشده ای است .

ما با این قبیل مرحله بندیهای مصنوعی و مکانیکی به نوعی دیگر در دوره گذشته مواجه بودیم که مبارزه برای دموکراسی از مبارزه ضد -

امپریالیستی منفک گردیده و تحقق آنها به مراحل جداگانه پیشرفت انقلاب موکول می شد . "راه کارگر" نیز عملا خواستهای را که درجارجوب سرمایه داری قرار می گیرند از خواستهای که از این جارجوب فراتر می روند منفک نموده ومبارزه برای تحقق آنها را به مراحل جداگانه پیشرفت انقلاب موکول می کند . این تقسیم بندی و مرحله بندی مصنوعی ومکانیکی ، از عدم درک رابطه و پیوند دیالکتیکی متقابل جنبه های دموکراتیک ، فدا میریالیستی و فدرسرمایه داری انقلاب ایران نشات می گیرد . وظایف دموکراتیک و فدا میریالیستی و فدرسرمایه داری انقلاب ایران دارای ارتباط متقابل دیالکتیکی بوده و جنبه های مختلف کل واحد را تشکیل می دهند که در روند انقلاب ایران با یکدیگر متحقق گردند . عملی شدن و فدا و موافق هیچیک از این وظایف تنها می امکان پذیر نیست .

"راه کارگر" با التقاطی که بدان دچار گشته قادر نیست سیاست واستراتژی روشنی را ارائه دهد و با لایحه یا بیدیدیر که بنا به شرایط تاریخی و مشخص جامعه ایران ، تحول آتی ضرورتا در جارجوب سرمایه داری با بصورت بگیرد و اصلاحات اقتصادی ، اجتماعی سیاسی ایکه جنبه ضروری و میرم یافته است ، در جهت دموکراسی بورژواشی است . یانه ، قبول کند بنا به شرایط تاریخی و مشخص جامعه ایران تحول آتی ضرورتا جارجوبهای سرمایه داری را در هم می نوردد و اصلاحات اقتصادی اجتماعی و سیاسی ایکه جنبه ضروری و میرم یافته است ، در جهت موکراسی ای فراتر از جارجوب بورژواشی است . آشتی دادن و مخلوط کردن این دودیدگاه ونظر بایکدیگر امکان پذیر نیست . در صورت پذیرش دیدگاه نخست ، استدلالهای "راه کارگر" در باره مضمون مطلقا بورژواشی جنبش انقلابی در مرحله نخست انقلاب وتا سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ، خطاب قرار دادن جنبش پلاتفرمی مطلقا بورژوا - دموکراتیک و در دستور قرار دادن این پلاتفرم بمنظور ایجاد ائتلافی طبقه ای ، از یک ارتباط و منطق درونی برخوردار خواهد بود ، هرچند که چنین نظریه ای در شرایط مشخص جامعه ایران ، نظریه ای انحرافی و راست است و با واقعیات موجود منطبق نیست . با اینکه دیدگاه دوم را بیدیدیر که در اینصورت با استدلالهای خود را در باره مضمون مطلقا بورژواشی جنبش در مرحله نخست انقلاب وتا سرنگونی رژیم ، خطاب قرار دادن جنبش پلاتفرمی مطلقا بورژوا - دموکراتیک وغیره را بدور ریزد و قبول کند که پرولتاریا در کام نخست و از همان آغاز جنبش انقلابی باید برای تحقق پلاتفرمی فراتر از جارجوب سرمایه داری مبارزه کند . نشستن میان دوندلی نه ممکن است ونه برخوردی مارکسیستی - لنینیستی است . یا باید طبقه کارگر را به مبارزه برای بهر انجام رساندن تحولی در جارجوب دموکراسی بورژواشی فراخواند ، یا آنرا به مبارزه برای تحقق تحولی در جارجوبی فراتر از سرمایه داری دعوت کرد . "راه کارگر" ضمن اینکه ایندو را مخلوط می نماید ، در عمل متاسفانه با استدلالها و طرحهایی که ارائه میدهد دیدگاه راست متمایل می شود .

دیدگاههای التقاطی "راه کارگر" را دربرخورد به مسئله اساسی انقلاب ، یعنی قدرت حاکمه سیاسی وحکومت موقت انقلابی با شناختات جدی تئوری روبرو ساخته و عملا به سمت دیدگاههای منشویکی سوق می دهد .

ادامه دارد

نقشه از صفحه ۲

خیمه شب بازی مبارزه با گرانفروشی

ایزادر قدرت مند بدست داریم" ، "تجزیر حکومتی قویترین ایزار مبارزه دولت با گرانفروشی و گرانی است و گرانی پیش پای طرح جدید انومسی زند" و ...

اما واقعیت چیز دیگریست . هنوز علیرغم این همه بگیر و ببندها ، جرمه ها وجوب و فلک گردند گوشت بجای ۲۵ تا ۷۵ تومان به قیمت ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان بفروش می رسد و به همین نسبت نیز سایر کالاها ومواد ضروری گران تر بفروش می رسد ، برای مثال ، مرغ کیلویی ۱۴۰ تومان ، جای کیلویی ۴۰۰ تومان ، قند کیلویی ۱۰۰ تومان ، تخم مرغ شانهای ۱۰۰ تومان ، بشیر کیلویی ۱۸۰ تا ۲۰۰ تومان ، خودکام ریک ۱۰ تا ۱۵ تومان ، مادا دوسما ۸۰ تومان سیگار تا ۷۰ تومان و ... کره بسته بندی شده کیلویی ۳۶۰ تومان بفروش می رسد ، با توجه به اینکه کره نیز جز کالاهای لوکس رده بندی شده است ! در طول ۶ ماه اخیر قیمت بلوز ۸۵ تومانی نیز به ۱۸۰ تومان افزایش یافته است !

آنچه که اظہر من الشمس است این حقیقت است که عامل گرانی کسبه های جزو دستفروشان و ... نیستند ، علت اصلی تورم و گرانی ، در ذات نظام سرمایه داری و وابستگی اقتصادی به امپریالیسم نهفته است ، عامل گرانی بی سابقه ، تجار بزرگ و خودسرمداران حکومت و سیاستهای ارتجاعی و بیوز به مسئله جنگ ، سیاستهای مالی و پولی که در جهت تحکیم هر چه بیشتر سرمایه داری وابسته تنظیم شده و ... و در مجموع سیاستهای اقتصادی واجتماعی رژیم است ، سیاستی که با تحمیل فشارهای کمربندکن اقتصادی از جمله گرانی ، کارگران وزحمتکشان و سایر حقوق بگیران راحتی از تامين ما بحتاج اولیه خودنا توان کرده است ، سیاستی که سبب شده قیمتها وهزینه های زندگی مداوم و بطور سرسام آوری افزایش یا بددرحالیکه قدرت خرید و ارزش پول رو به کاهش گذارد و دستمزدها نیز در مقایسه با افزایش تورم ثابت بمانند ! روندی که قربانانیا نی جز کارگران وزحمتکشان وحقوق بگیران میهنمان ، چیز دیگری برجا نمی گذارد !

"بن بست طرحهای دولت" با این نوع مبارزه ها گشوده نخواهد شد . مبارزه برای افزایش دستمزدها با توجه به افزایش تورم و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ومحو نظام سرمایه داری و وابستگی به امپریالیسم ، راه گشوده شدن بن بست چنین طرحهایی است !

صلح . استقلال . دموکراسی وسوسیالیسم



بحران فیلیپین

بقیه از صفحه ۱

مصاحبه با نگوین وان لین

روزنامه "وما نیته" ارگان مرکزی حزب کمونیست فرانسه در ۱۳ اکتبر مصاحبه‌ای با نگوین وان لین دبیرکل جدید حزب کمونیست ویتنام (که در ششمین کنگره حزب بجای ترون نین انتخاب شد) بجای رسانده که ما در ادامه به دنبال کردن اوضاع ویتنام و سیاستهای جدید حزب کمونیست ویتنام ترجمه و انتشار آنرا در نشریه مفیدیا فتمیم.

س - در جهان غرب ویتنام اغلب به مثابه کشوری معرفی میشود که هرگونه قربانی دادن برای بیرون راندن آمریکا شیها را تقبل کرد اما برای اداره ورهبری خود دچار معضلات بیشتریست؟

ج - مردم فرانسه چه خوب و اقیانوس ما را می فهمد. قریب به یکسال پیش، ششمین کنگره ما به سوی احیاء و تمحیح اشکالات بیویژه در رشته مدیریت اقتصادی مستگیری کرد. اما ما سادگی را نخواهد بود که به همین اکتفا گردد. شما میدانید که یک انسان شدیداً بیمار، که دوره نقاهت را میگذراند نمیتواند در عرض یک روز بهبودیابد.

ما باید بعد از خرابیهای وسیع، سوسیالیسم را در ویتنامی بسازیم که اساساً کاشا ورزی و بس عقب مانده است. جنگ تقریباً دوازده سال پیش یعنی در ۱۹۷۵ به پایان رسید. از سال بعد، تحا و زپل پوت به ما تحمیل شد که تا ۳۰ کیلومتری درون مرزهای ما ادا می یافت و با کاشا و غیرنظمان میان همراه بود، تحا ورزی که به مراتب بدتر از تحا و ز آمریکا شیها بود. ما می بایست از خود دفاع می کردیم و به ندادی کمک به خلق کامبوج که میلیونها تن از آن قتل عساکم شده بودند، یا سخ می دادیم. ما تنها جم وسیع چپین بهش استان مان را در شمال تحمل کردیم و چه نیروی انسانی و مادی که از دست ندادیم! اگر ما یک ملح واقعی داشتیم بجای کنار گذاشتن بخش بزرگی از بودجه برای تغذیه ارتش مان، حیواناتمان را در سا ختمان ملح آمیز کشور بکار می گرفتیم.

بعلاوه ما سوسیالیسم را در کشوری بنا می کنیم که مرحله سرما یهداری را بخود ندیده است. در طول دوران استعمار صنعت پیشرفتی نداشته است. زمانی که فقیر هستیم بسیار مشکل است که سریعاً به یک کشور غنی تبدیل گردیم. حلقه محاصره اقتصادی هنوز شل نشده است. اخیراً ستای آمریکا از زاپن خواست که روابط خود را با ما توسعه ندهد. در چنین شرایطی، سوسیالیسم ویتنام با مشکلات عدیده ای روبروست.

اما ما اشکالاتی هم داریم. اشکال بی تجربگی بهمین دلیل تدا سیری برای تمحیح آن در نظر گرفتیم. ما مطمئن هستیم که با این ترتیب موفق

اوت گذشته که بدنبال اعلام افزایش قیمت بنزین و مواد نفتی برپا شد، ما نیل یا تخت فیلیپین و شهرهای اصلی آنرا فلج کردو نشان داد که تا چه حد توده ها در مقابل با آنها جمات بوزووازی حتی زمانی که "آکینو" با محبوبیت توده ایش عامل اجرای آن با شدا ز قابلیت ویتنا نسیل مبارزاتی برخوردارند. دلیل عکس العمل های گسترده توده ای این بود که مردم در افزایش ناگهانی و غیر قابل تصور قیمت بنزین، خطرا افزایش لجام گسیخته قیمت مایسر کالاهای اساسی را نیز می دیدند. اعتصابات کارگری و برگرزاری میتینگها و آکسیونهای اعتراضی وسیع سرانجام حکومت آکینورا مجبور به عقبسب نشینی کرد. آکسیونه مردم خمگین قول داد که قیمت بنزین را مجدداً به قیمت اولیه بازگردانند و با افزایش آنرا به درصد بسیار نا چیزی محدود خواهد کرد.

این واقعیت انکارنا پذیر است که بیسکاری گسترده، افزایش سریع قیمتها و کاهش قدرت خرید مردم که نتیجه اجتنابنا پذیر و رکود اقتصادی و اشتهای سیری نا پذیرانه رات امیریا لیستی و الیگارشی مالی برای بلعیدن مافوق سوده های هنگفت است، سطح معیشت و وضعیت مادی زندگی توده ها را در موقعیتی به مراتب وخیم تر از دوران حکومت دیکتاتور مارکوس قرار داده است. طبق آمارهای رسمی دولتی میزان بدهی فیلیپین به بانک جهانی و دول امیریا لیستی نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار است. آمار بیگاران به ۲/۷ میلیون نفر و میزان تورم به ۱۰٪ بالغ میگردد.

اکثریت عظیم دهقانان فیلیپین طبق آمار دولتی در زیر "خط فقر" زندگی می کنند. انقلاب ارضی که از اهداف اساسی انقلاب دموکراتیک - خدامیریا لیستی فیلیپین و یکی از محرکه های اصلی توده ها در مبارزه علیه رژیم مارکوس بشمار میرفت با بقدرت رسیدن آکینو همچنان به مثابه یکسی از مسائل اصلی جامعه با برجا است. حتی اصلاحات ارضی نیم بند آکینو نیز تا کنون از محدوده حرف فراتر نرفته و نتوانست جنبه واقعی بخود بگیرد. آکینو این فرم را به مثابه سوپا اطمینانسی در نظر گرفته بود که میتواند زشتت نا رضایتی دهقانان کاسته، پایگاه اجتماعی کمونیستها را محسود نموده و شرایط را برای سرکوب موشر جنش توده ای فراهم نماید. اما حتی همین طرح نیز که خواستار امتیازات و گذشته های جزئی بدهقانان بود با مقاومت همه جانبه ملاکین بزرگ مواجه شد، و با توجه به اینکه اکنون طرح مذکور برای تعیین مراحل اجرای آن به پارلمان که در آن نمایندگان سیاسی زمینداران بزرگ مسلط اند، ارجاع شده روشن است که با سن بست بزرگتری مواجه خواهد شد. با این وجود هم سران ارتش وهم کلیسا از "عدم قاطعیت" و "ضعف" حکومت آکینو آشکارا سخن می گویند. آنان از اینکه آکینو با تسامح قدرت به قلع و قمع کمونیستها و نیروهای پیشرو

پیشرو در می یابند که با روی کار آمدن حکومت آکینو نه تنها مسائل اساسی جامعه حل نشده باقی مانده اند بلکه سطح زندگی آنان شدت به وخامت گراشته است. آنان آشکارا می بینند که طی ۱۹ ماه گذشته "آکینو" بطور روز افزون به خواسته های سران ارتش تمکین کرده و حتی در قیاد اصلاحات نیم بندی که در ابتدای کار بجز وعده میداد نیست.

امتیاز دادن و عقب نشینی مداوم در برابر سران نظامی، با لای بردن نقش آنان در ارتقا نهی حکومتی یعنی در دولت، در پارلمان و در دستگاه قضائی کشور که در انطباق با خواسته های امیریا لیسم آمریکا ست و نیز سرکوب جنبش انقلابی و سازمانهای سیاسی ابوزیسیون به مشخصه های اصلی سیاست آکینو تبدیل شده اند. آکینو از همان قردای بسه قدرت رسیدن آنتی کمونیسم خود را کاملاً آشکار کرد.

پس از مذاکرات طولانی با رهبران حزب کمونیست و ارتش نوین خلق در رابطه با برقراری آتش بس که برای دوره ای کوتاه مدت اجرا شد، آکینو با اعلام جنگ تمام عیار علیه کمونیستها با عداوت تازه ای به سیاست ضد دموکراتیک و ضد توده ای خود بخشید. وی با اینکه ردشنی آشتی نا پذیر خود را با کمونیستها که پیگیرانه مدافع دگرگونیهای عمیق اقتصادی - اجتماعی در فیلیپین هستند، نشان داد. در نتیجه این سیاست و نزدیکی بیش از پیش به نظامیان و میلیتاریزه کردن حیات اجتماعی کشور، آکینو سرعت پایگاه توده ای خود را از دست میدهد، و در نقطه مقابل، حزب کمونیست و جنبه ملی دموکراتیک فیلیپین نفوذ و امتیاز بیشتری در میان توده های می یابند.

با گسترش جنبش عمومی خلق طبقه کارگر فیلیپین به جلوی محنه را نده شده و به پیشتاز جنبش توده ای تبدیل می شود. جنبش سندیکایی طبقه کارگر در مدت نسبتاً کوتاهی که از عمر حکومت جدید فیلیپین می گذرد از رشد قابل توجهی برخوردار بوده است. این امر نظمان میان حاکم و حکومت آکینورا شدیداً نگران کرده است. فعالیت "جوخه های مرگ"، که سرخشان در دست سران ارتش بوده و توسط آنان تجهیز و هدایت می شوند، اکنون بنحو خطرناکی تشدید شده است. هدف اصلی این جوخه ها ترور رهبران و فعالین سازمانها و سندیکا های کارگری ست. تازه ترین اقدام جنایتکارانه این جوخه های فاشیستی، ترور "لیندورا آلجا ندر" دبیرکل بیست و هفت ساله "سیان" (اتحادیونین میهنی، متشکل از نیروهای چپ قانونسی) در ۲۵ سبتا میر گذشته است. همین گروهها در نوامبر سال ۸۶ "رولاندوا و لالیا" دبیرکل بزرگترین سندیکای کارگری فیلیپین موسوم به "اول ماهه" را به قتل رساندند. اما برآه انداختن جنگ آشکار علیه طبقه کارگر که به منظور ایجاد جوخش و ارتعاب صورت میگردد به نتایج معکوسی منجر شده و به خشم توده ها و گسترش بیشتر دامنه جنبش توده ای انجام میدهد است.

اعتصاب سراسری کارگران حمل و نقل در ۲۶

بقیه در صفحه ۸

بقیه در صفحه ۸

پیش بسوی تشکیل جبهه دمکراتیک - خدامیریا لیستی

مصاحبه با ...

خواهیم شد کشورمان را از توسعه نیافتگی خارج کنیم. اما برای اینکار به زمان نیاز مندیم. س- آیا شما مشخصا به نتایجی رسیده‌اید و این نتایج کدامند؟

ج- علمایی وجود دارند که نشان میدهند که ما شروع به خروج از ناسا ما سانیها کرده‌ایم. مثلا در تولید مواد غذایی که بر هر چیز دیگر مقدمند، ما امسال دچار دو طوفان سخت و یک خشکالی شدید بوده‌ایم. بدون سیاست جدیدمان، احتمالا تقریباً به دو میلیون تن از محصولاتمان را از دست می‌دادیم. اما ما سرمایه‌گانی به دهگانان دادیم و در قیاس با محصولاتشان قیمت‌های عادلانه‌ای به آنها پرداخت کردیم. امروز آنها را ضایع‌اند زیرا قادرند حتی در شرایط جوی نامناسب که خسارات فراوانی بساز آورده‌است، داشت و برداشت بیشتری داشته باشند. خسارات وارده پائین تر از ارزیابی ماکه ۸۰۰۰۰۰ تن بود، خواهند بود.

سخا طر شیوه جدید مدیریت که در هر واحد تولیدی مسئولیت آفریده‌است ما امسال در صایع سسک و پیشه‌وری رشدی معادل ۶٪ پیش بینی کرده‌ایم. اما میتوانیم به رشدی معادل ۹ تا ۱۰٪ دست پیدا کنیم. علیرغم آنکه ما هنوز صایع ترکیبی برای تصفیه نفت نداریم، در "ونگ تو" شروع به استخراج نفت خام کرده‌ایم. درآمدهای ارزی حاصله از صادراتمان اکنون بما اجازه خرید کود شیمیایی مورد نیاز ساز کشاورزی را می‌دهد. در جریان آخرین دیدارم از اتحاد شوروی تصمیم گرفتیم روش‌های همکاری‌مان را تغییر دهیم. اکنون اتحاد شوروی در اینجا سرمایه‌گذاری می‌کنند و ما اولیه، مواد غذایی و کسادر فنی در اختیارمان قرار می‌دهد. باین ترتیب ما قادریم مثلا قهوه‌مان را دیگر به صورت دانه‌ها در نکتیم، ما آنرا تبدیل می‌کنیم و به صورت محصول آماده مصرف می‌فروشیم، درآمد اینکار پنج تا شش برابر بیشتر است.

س- در مورد اینجا دستگیری‌ها در مدیریت، قانون سرمایه‌گذاری که همه منتظر آنند چگونه کشیده‌است؟

ج- پیش بینی شده‌است که از ماه دسامبر آینده مجلس ملی ما به منظور تصویب این متن بحث کند.

س- شما مشخصا کارزاری علیه چیزی که شما آنرا "پدیده‌های منفی" می‌نامید سراه انداخته‌اید، منظور از آن چیست؟

ج- وضعیتی را که به شما یادآوری کردم اثرات زیانباری بر روی شرایط زندگی مادی و معنوی اهالی دارد. اکثریت افراد دلایل آنرا می‌فهمند و ما برای حل آنها اقدام می‌کنند. اما اقلیتی بنحوی دیگر رفتار می‌کنند. مسأله خواستار آنیم که دستمزد، یک زندگی قابل قبول را تامین کند. ما مصممیم که به همه جوانان کار بدهیم. برای اینکه ما باید مطلقا ظرفیتها، یمان را در رشته مدیریت اقتصادی افزایش دهیم، پیشرفت‌های علمی و فنی را در تولید بکار گیریم و بویژه خود را از شیوه تفکر و سبک کار رهبری گذشته رها کنیم.

اما کارهای خودسروجا طلبی وجود دارند که تکیه بر زحماتشان موسسه خویش و سندیکارها را

رد می‌کنند. حتی کارهایی وجود دارند که سسه دارا شی‌های متعلق به موسسه یا دولت را به خود بالامی‌کشند، توده ویتنامی از این‌ها موربر آفته است. آنها حق دارند. ما درکنگره تصمیم گرفتیم که دیگر با این کارها اجازه ندهیم.

بهمین دلیل خود من یک رشته مطالب مشخص در مورد پدیده‌های منفی نوشته‌ام. وسعت وسرعت پیشتیا نی توده‌ای کمی مرا به گفتنی واداشت سسه است ما خواهان آنیم که تغییرات ضروری از روی اعتقاد بدست آید، اما چنانچه این کفایت نکنند باید تشبیه کرد. "عموهو" اغلب می‌گفت که ما از تشبیهات می‌ترسیم در حالیکه باید از بی‌عدالتی‌های اجتماعی ترسید.

س- بنظر می‌رسد که وضعیت کامسوج در راستای راه‌حلی توسط خودکار مروجیها تحول می‌یابد، آیا احساس شما همین است؟

ج- برای دست یافتن به این راه‌حل ما به سهم خود هر آنچه را که بما مربوط می‌شود انجام می‌دهیم، اما این روند پیچیده‌ایست. مثلاً بن بست درخواست مبنی بر بازگشت به کامسوج بل پوشی‌ها که مسئول قتل عام‌ها هستند نهفته‌است. مردم از آن می‌ترسند و در هر عقب نشینی نیروهای ما آنرا بیان می‌کنند.

در لحظه‌ها ضرایب حلی مبتنی بر مذاکره بمانا به مصیری عملی ظاهر شده‌است چرا که اکثریتی از کامسوجیها خواهان آنند. علاوه توافقی ۲۹ ژوئیه در "هوشی مین ویل" بین ویتنام از سوی کشورهای هندوچین و اندونزی از سوی "انجمن ملل آسیای جنوب شرقی" (ASEAN) مبین این گرایش بوده و زمینه را برای پیشرفت‌های بیشتر فراهم می‌کند. سیاست‌های اخیر جمهوری خلق کامسوج و ابتکار پرینس سیها نوک در جهت برگزاری ملاقاتی بین احزاب کامسوج، پایه مناسبی برای گفتگوها بشمار می‌رود. از ۱۹۸۲ بدین سو بهیچ شرایط کامسوج اجازه داده‌است که هر ساله عقب نشینی‌ها و طلبا نه‌ای از سوی ویتنامیها صورت گیرد. در ۱۹۸۷، ایسن عقب نشینی مهم خواهد بود و ما نیروهای باقیمانده را به نمف کاهش خواهد داد.

س- ویتنامیها کشورشان را ترک می‌کنند، عده‌ای در فرانسه زندگی می‌کنند؛ سیاست شما در این زمینه چیست؟

ج- ما به کماتیکه تقاضا می‌کنند اجازه عزیمت می‌دهیم و شرایطی را ایجاد می‌کنیم که عزیمت آنان بطور قانونی انجام گیرد. اما پاره‌ای از کشورهای غربی در پذیرش این مسأله ویتنامیها محدودیت ایجاد می‌کنند، در حالیکه با ارسال قایق‌هایی به سواحل ما افراد راه ترک غیرقانونی کشور تشویق می‌کنند و برای آنان شرایط مهاجرت مناسب تری فراهم می‌کنند. در رابطه با کماتیکه خواه بطور قانونی و خواه بطور غیرقانونی کشور را ترک می‌کنند، سیاست ما انسان دوستانه‌است. باین ترتیب آنان توانند برای دیدار خانواده‌هایشان بازگشته یا حتی اگر مایل باشند باقی بمانند. بملاوه ما محدودیت‌های مربوط به ارسال ارز برای والدینشان که در کشور مقیم اندرا حذف کرده‌ایم.

س- شما خواستار یک هیئت نما بیندگسی در بازار مشترک اروپا شده‌اید و بمنافع شما در اجلاس اخیر کشورهای فرانسوی زبان در یک اشاره شده‌است. آیا همکاری فرانسه و ویتنام در سطح رضایت بخشی است، و اگر نیست چگونه میتواند بهترین رابطه درجا رجوب منافع دو کشورمان برقرار گردد؟

ج- مردم ویتنام و مردم فرانسه از یک سنت دیرینه دوستی که از درک و احترام و پیشتیا نسبی متقابل ناشی می‌گردد برخوردارند. این گنجینه بی مانندی است و حزب کمونیست ویتنام نظیر حزب کمونیست فرانسه از هیچ تلاشی برای غنی‌تر کردن آن فروگذار نمی‌کند. بلحاظ روابط بین دو کشور جای تاسف است که این روابط متناوب با کیفیت مناسبات تاریخی بین دولت ما نباشد. روابط ما می‌تواند علی‌الخصوص در زمینه همکاریهای علمی و فنی یا در زمینه مسألات فرهنگی بهبود یابد. ما آماده‌ایم تا کلیه مسأله‌ها صنایع که مثلا خواهان سرمایه‌گذاری در توسعه ویتنام هستند را چه در فرانسه و چه در ویتنام بپذیریم.

متقابلا ما می‌توانیم به آنان در زمینه منابع طبیعی و تبدیل (مواد) در محل کمک کنیم. ما کار زیادی کم نداریم، در عوض اعتبارات، مهارت و تکنولوژی چرا. ما با استفاده مشترک از این ثروت‌های تکمیلی می‌توانیم بسرایی دو کشورمان مفید باشیم.

بقیه از صفحه ۷

بحران فیلیپین

اقدام نمی‌کنند اظهار رضایتی می‌کنند. کودتاهای نظامی در فیلیپین مبین وجود شکاف و تضاد در اساس هرم ارتش است. بخشی از فرمان ارتش بر این اعتقادند که تا دیر نشده، کمونیستها هنوز بحد کافی نیرو نگرفته و جنبش توده‌ای بسه پدیده کنترل نا پذیری بدل نگشته باید بسه حکومت نا توان آکینویا یا ن دا دوبا اعمال سیاست فاشیستی به بحران کنونی پایان داد. در حالیکه جناح دیگر که عنا سر قدرتمند و مهره‌های اصلی ارتش نظیر ژنرال "راموس" در اسان قرار دارند از سلطه تدریجی ارتش بر حکومت جانبداری می‌کنند، چیزی که با استراتژی امپریالیسم آمریکا نیز کاملا در انطباق است.

با اینهمه روشن است که ارتش خود را بسرایی بدست گرفتن قدرت و ایجاد یک حکومت نظامی فاشیستی آماده می‌کند اگر اوضاع بروال کنونی در فیلیپین ادامه یابد و آنها را به نتایج نجات فیلیپین از خطر فاشیسم اقدام انقلابی و متحد نیروهای دموکراتیک کشور برای کسب قدرت سیاسی است. ولی آیا انقلاب نیروی کافی برای کسب قدرت سیاسی خواهد داشت؟

در ایران اعتیاد و فساد بیداد می کند

بسته است .

با آنکه میلیونها ایرانی در آتش خانما نوزد اعتیاد می سوزند اما جمهوری اسلامی تا کنون آمار از تعداد معتادین ارائه نداده است و مسئولین نیز بایا و گوشتها اهمیت مسئله را لایوشانی می کنند. در "سمینار سراسری بررسی مسائل اعتیاد در مشهد" طرح می گردد "اعتیاد در روستا های کشور نیز روبه گسترش است. اما آمار دقیقی نداریم. " و در "نشست کارشناسان و مسئولین مملکتی پیرامون راه حل های ریشه ای برای حل مسئله اعتیاد و قاچاق مواد مخدر" که در دفتر روزنامه جمهوری اسلامی برگزار گردید، حجت الاسلام زرگر سرپرست دادسرای انقلاب و مبارزه با مواد مخدر، درباره این سؤال که "تعداد معتادین میهنمان چقدر است" پاسخ می دهد، "مسئله آمار برسر دار نیست!"

و این در حالی است که مصفا شای قائم مقام اطلاعات عملیات کمیته انقلاب اسلامی می گویند "تا بحال ۵۰۰ هزار نفر فقط برای ترک اعتیاد تقاضا داده اند!" در این "نشست" ضمن بیان ابعاد قاچاق مواد مخدر راه حلها شای اسلامی نیز ارائه می گردد. حجت الاسلام نصاری می گوید: "۶۵ تا ۶۲ درصد کل زندانیان ما متهمین به مواد مخدر هستند" و ادعا می کند، "رشد جرائم، منهای مسائل مواد مخدر و قاچاق، در جمهوری اسلامی در مقایسه با تمام کشورها رشد منفی داشته است" و یکی از عوامل مسل کاهش جرائم را هم "حنگ" می داند. این آخوند جنایتکار در راه بطله با حل معضل اعتیاد و قاچاق مواد مخدر می گوید: "معتمدان عدا میا که در راه بطله با قضیه مواد مخدر هستند یک روز هم نباید تا خیر بیفتند، هر زندانی برای مادری که ۳ هزار تومان هزینه دارد. البته بدون هزینه های مثل دستگیری و محاکمات قضائی"، "باید اعدام کرد یا بد ضرب الاجلها شای قانونی گذرانید"، "باید قاطعیت بیشتری داشت!"

مسئولین جنایتکار جمهوری اسلامی در مورد امکانات موجود می گویند: "بزرگترین و مجهزترین امکانات ما "شورایا دتهران" است که "گردد کسل کشور هر ۳ ماه ۱۰۰۰۰ نفر از معتادین در این مرکز ترک داده شوند و این قول را بدهند که صد درصد ترک کننده حدود ۱۲ سال طول می کشد که آخرین معتاد رزرو شده درمان شود" و این در حالی است که "از هر چند نفری که از این مرکز بیرون می روند ۹۰ درصدشان دوباره به راه اعتیاد کشیده خواهند شد". علیرغم بیان آشکارا و قیامات تلخ فوق، حجت الاسلام زرگر و "مسجد جامع" جنایتکار اینگونه نسخه پیچی می کنند "معلوم نیست که از نظر شرعی و قانونی چگونه باید مسئله اعتیاد بر خورده کرد" و در شرایطی که خمینی جلاد "ترباک را حرام نمی داند" اینها می گویند "تسلیم روی غیر شرعی بودن ترباک امر مهمی است" و در راه بطله با ارتباط اعتیاد دودنیانت می گویند "کسی که بدین دارد بقیه در صفحه ۱۰

طراحان و مجریان آن بوده و هستند. در کشورمان ابعاد بسیار بقیه ای بخود گرفته است. در این میان تراژدی "اعتیاد" جایگاه ویژه ای یافته و جسون داغ تنگی بر پیشانی ننگین جمهوری اسلامی نقش

فحشا، نیز تحت پوششهای اسلامی، در کنار "بچه دزدی"، "تجا وزبه کودگان"، "سر راه گذاشتن کودگان"، "سرقتهای مسلحانه منجر به قتل"، کبه عمدتاً افراد کمبسته های اسلامی و سپاه پاسداران

از مبارزه پناهندگان در بایرن حمایت کنیم

از مبارزه بر حق پناهندگان در ایالت "بایرن" فعالانه حمایت کنیم!

اینک نزدیک به ۶ ماه از آغاز حرکت های اعتراضی مشکل پناهندگان در ایالت جنوبی آلمان، "بایرن" (Bayern) میگذرد. این اعتراضات در اساس بر علیه تشدید فشار بر پناهندگان از جانب حکومت آلمان فدرال می باشد. سیاست دولت "بن" که بر مبنای محدود ساختن حقوق پناهندگان، ایجاد موانع در راه ورود آنان و یا عدم پذیرش تقاضای پناهندگی شان، متکی است، خود را بپوزه در ایالت "بایرن" یعنی مرکز امپراطوری "اشتراوس" (Strauß) رئیس "اتحاد سوسیال مسیحی" (CSU)، بنحوی بی پرده و زشتی نشان می دهد.

در ایالت مذکور پناهندگان از همان روز نخست با رفتار غیر انسانی و تحقیر آمیز مسئولین مواجه میگردند. مقامات مربوطه به سکنا ی پناهندگان در لاگرهای انباشته از جمعیت و غیر بهداشتی و تحمیل جیره غذایی با کیفیت بسیار پایین اکتفا نموده و سعی دارند با طولانی ساختن زمان رسیدگی به پسرورنده پناهندگی، آنها را هر چه بیشتر فرسوده ساخته و از آن گذشته با تبلیغات زهر آگین ضد خارجی که بطرق گوناگون به پیش برده میشود، آنان را از محیط اطراف و ساکنین منطقه منزوی نمایند.

در مدت این ۶ ماه پناهندگان سیاسی ایرانی به همراه پناهندگان سایر کشورهای اشکال مختلف اعتراضی نظیر راه پیمایی و تحصن و نیز ارسال نامه های به مسئولین دولتی آلمان و صلیب سرخ و غیره را بکار گرفته اند. در ادامه همین حرکات بود که روز ۱۵ سپتامبر در شهر "رگنزیورگ" (Regensburg) یک راه پیمایی اعتراضی سازمان داده شد و از تاریخ ۱۱ سپتامبر در برخی شهرها همچون "رگنزیورگ" و "کوبورگ" (Coburg) اعتصاب غذا آغاز گردید که تا اول اکتبر ادامه داشت.

همانطور که در اعلامیه "شورای هماهنگی لاگرهای محترض ایالت بایرن" آمده است، خواسته های اصلی پناهندگان را موارد زیر تشکیل می دهند:

۱- کوتاه شدن مدت بلا تکلیفی و رسیدگی هر چه سریعتر به درخواست های متقاضیان

پناهندگی سیاسی و ارسال سریع جوابها

۲- انسانی کردن شرایط زیست متقاضیان پناهندگی سیاسی با

الف) انتقال آنها از لاگرها به منازل مسکونی،

ب) تعویض حق انتخاب مواد غذایی با پرداخت پول بجای تحمیل جیره خشک.

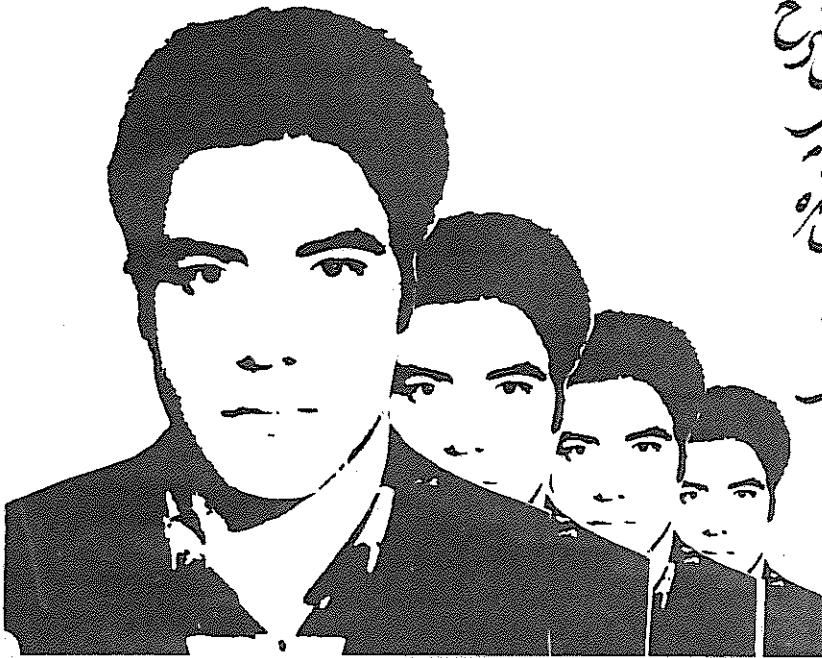
در حال حاضر با وجود اینکه مسئولین بطور رسمی پرداخت پول مواد غذایی بجز سه سهمیه خشک را پذیرفته اند، ولی تا تحقق عطی این وعده و تحریم دریافت مواد غذایی در شهر "رگنزیورگ"، با شرکت ۲۴۰ نفر از ملیتهای مختلف همچنان ادامه داشته و در برخی دیگر از شهرها نظیر "وایدن" (Weiden) از اول نوامبر آغاز خواهد گردید.

حال که مسئولین امر به خواسته های پناهندگان ترتیب اثر نداده و یا قصد با اصطلاح "ساکت" نمودن آنان از طریق دادن وعده و وعید را دارند، بر ماست که نقش دولت آلمان فدرال را در همکاری و انجام معاملات مختلف با دولت های ارتجاعی و ضد مردمی کشورهای همچون ایران، که مسبب اصلی آوارگی افراد از وطنشان می باشند، بر ملا ساخته و نشان دهیم که ایراد فشار بر پناهندگان روی دیگر همین سکه است. باید افشا کنیم که تمامی این اعمال توسط کسانی صورت میگیرد که در حرف از ادعای دموکراسی و دفاع از حقوق بشر کوتاه نمی آیند.

بدینوسیله ما، تمامی پناهندگان، انسانهای شرافتمند و دموکرات و کلیه نیروهای مترقی را فرا می خوانیم تا همگی صدای اعتراض خود را بر علیه سیاست های ضد خارجی و غیر انسانی دولت اشتلاخی حاکم مشکل از احزاب سوسیال مسیحی، دموکرات مسیحی و لیبرال بلند تر نموده، متحد و فعالانه در هر شکل ممکن از مبارزات بر حق پناهندگان در جهت خواسته های ابتدائی خود در ایالت "بایرن" دفاع نمائیم.

هواداران سازمان آزادی کار ایران (فدائی) آلمان فدرال و برلین غربی

۸ / اکتبر / ۸۷



گرچه با وجود فکر
گرچه با اندیشه
در این برکت و آرزو
ناصر اسفندیاری
ماهران هم فکر اولاد بی فکرگاه
صفا گوید تو میانی در این چشم دره است

جمهوری اسلامی سازمان داد.
خونسردی و قاطعیت رفیق اسکندر، همواره
عملیات نظامی تحت رهبری وی را با موفقیت
روبرویی ساخت و با اتکاء به خونسردی، قاطعیت
وسرعت عمل خود با رها نشسته بود در رویا روشی
و درگیری مسلحانه با مزدوران رژیم‌های شاه و
خمینی، جان سالم بدر برده و از جنگ مزدوران
خارج شود.

رفیق اسکندر از چهره‌های سرخته و فراموش
نشده‌ی جنبش کمونیستی ایران است. صفا و صمیمیت
ایمان و اعتقاد عمیق به مبارزه، صداقت انقلابی
بی پایان و شجاعت و شهور کم نظیرش، وی را به
چهره مورد اعتماد و احترام و محبوب همه رفقا
تبدیل کرده بود. مفهوم فدائی در مورد اسکندر،
حقیقتاً صدق عملی می یافت. او همواره آماده
بود برای اجرای وظایف سازمانی اش هر خطری را
بی محابا تقبل کند. رفیق اسکندر در شرایط سلطه
رژیم مونا رگونا شستی شاه، هم‌رزم حمید اشرف
بود زندگی و مبارزه مشترک با رفیق حمید اشرف
تا شیر عمیقی بر او اسکندر بر جای گذارده بود و وی همواره
از رفیق حمید به عنوان به رهبری بزرگ و بی نظیر یاد
می کرد.

رفیق اسکندر در زمینه مسائل نظامی و بویژه
جنگ چریک شهری و عملیات نظامی در شهر، تبحر کم
نظیری داشت. او در عملیات متعدد نظامی چریکی
پیش از قیام شرکت داشت. پس از قیام نیز سخما
در جنگ مسلحانه در کردستان و مقاومت مسلحانه در
ترکمن صحرا شرکت کرده و پس از سی ام خرداد،
عملیات نظامی متعددی را در تهران علیه رژیم

برای آبونمان "کار" بهای اشتراک رایج حساب
سازمان واریز کرده و رسید آنرا به همراه فرم زیر
به آدرس نشریه ارسال نمائید. (لطفاً خوانا بنویسید)

نام:
آدرس کامل:

اروپا	۱۰ دلار	معادل ۱۲ دلار
آسیا	۱۸ دلار	معادل ۲۲ دلار

REZAIE.N
B.P. N°. 270
75624. PARIS. CEDEX 13
FRANCE

حساب بانکی سازمان

CREDIT LYONNAIS
AGENCE GALAXIE. 705
N° : 202815 R
M^{me}. REZAIE.N
FRANCE. PARIS

در ایران اعتیاد و ...

توان حل کرد، تا هنگامی که این مناسبات
پوسیده و ننگین درهم شکسته نشود و رژیم جمهوری
اسلامی سرنگون نگردد امید به از میان برداشتن
این تا هنگام ریه‌های اجتماعی و فجاج، بسیدید
نخواهد آمد و فساد و اعتیاد، هر روز شما ریشتری
از مردم میهنان و بویژه جوانان و نوجوانان
را از زندگی شرافتمندانه و عادی جدا کرده و به
خیل قربانیان ستمگری سرمایه می افزاید.

معنادنمی شود" و به این روش درمانی باید فکر
کرد!!
تردید نیست که کج رویها و تحرفات
اجتماعی از نتایج شوم سلطه مناسبات سرمایه داری
و وابستگی به امپریالیسم است، سلطه شوهر که با
آلوده شدن به عقاب مانده‌گیهای ارتجاعی و مذهبی
سیمای دهشتناکتری در میهنان بخود گرفته است
مشکله اعتیاد و فساد را با "دین‌داری و عدم نسی